

عالیه شکر بیگی، استاد دانشگاه تهران در گفت و گو با «شهر وند»

چند شغله بودن بدل به فرهنگ شده است



عکس: سیدمحمد حسینی/شهریاد

● **اما نسبت این امر در کشورهای دیگر چگونه تعریف شده است و آیا سایر کشورها نیز با چنین مشکلی مواجه هستند؟**
آنچه در خصوص این مشکل پیش از همه اثرگذار است، نبود تعریف مناسب از قانون کار و یک جامعه قانونمند است. چرا که فرهنگ کار براساس قانون کار به صورت ارزش و هنجار درمی آید. این امر در بسیاری از کشورها (به خصوص کشورهای توسعه یافته) دارای تعریف مشخص و کاملی است اما متأسفانه در جامعه ما قانون کار به صورت فرهنگ و وجدان در نیامده است و بر همین اساس نیز این امر در کشور ما مشهود است اما در سایر کشورهای جهان با چنین معضلی مواجه نیستیم. برای مثال افراد در این کشورها از ۸ ساعت کار روزانه، ۵ ساعت کار مفید دارند اما در ایران اینطور نیست و در حقیقت این مشکل نیز به نوبه انگیزه در افراد بازمی گردد. چرا که فرد در آن جا دارای امنیت روانی و شغلی است و در نتیجه همان

ساعاتی را که کار می کند برای کسب درآمدش کافی است. اما در کشوری چون ایران افراد به دلیل نداشتن امنیت روحی و مالی، انگیزه های خود را از دست می دهند و در نتیجه به کارهای دیگری می پردازند و برای خود شغل دوم و سوم نیز تعریف می کنند.

● **چنانچه بخواهیم این مورد را در بازه های تاریخی مورد بررسی قرار دهیم، این امر از چه زمانی در جامعه گسترش یافته است؟**

معضل چندشغله بودن، در ۲ دهه اخیر بیش از گذشته دیده می شود و در ۲ دهه اخیر بیش از گذشته شاهد افرادی بوده ایم که ۲ یا چند شغل داشته اند. در دهه نخست پس انقلاب، آنطور که باید و شاید، به دلیل تبعاتی که انقلاب و جنگ برای کشور به همراه داشت، شاهد این امر نبودیم اما پس از آن با

افزایش نیروی کاری که نتوانست جایگاه خود را باز یابد، این مورد بسیار به نظر آمد و در حقیقت در این دوره به عنوان یک واقعیت اجتماعی نمود یافت.

● **بنابراین براساس گفته شما ما در دو دهه گذشته همواره با این مشکل مواجه بوده ایم. مرکز آمار نیز براساس آخرین آماري که در این راستا ارائه داده است (بازه مورد بررسی سال ۸۴ تا پایان سال ۹۲) در حدود نیمی از مردان را چند شغله اعلام کرده که در حقیقت بیش از ۴۹ ساعت کاری می کنند...**

متأسفانه چندشغله بودن در این سال ها تبدیل به یک فرهنگ شده و باید روی این بحث، از منظر فرهنگی متمرکز شویم. چرا که رفتار انسان حاصل نگرش و بینش اوست و این نگرش است که در نهایت به رفتار تبدیل می شود. به این ترتیب باید روی تغییر این فرهنگ متمرکز کنیم. در حال حاضر ارزش های مادی گرایانه بر مادی گرایانه سطره یافته و گسترش این فرهنگ

مادی گرایانه در بخشی از جامعه گسترش یافته است و در حقیقت در بخشی می توان فرهنگ مصرف گرایی را نیز پایه گذار چندشغله شدن افراد دانست. البته این امر در کنار نیازهای مادی گروهی از افراد جامعه، مزید بر علت است تا چند شغله شدن به معضلی برای جامعه بدل شود. بر این اساس شاید بتوان در کنار مشکلات اقتصادی که در این مدت افزایش یافته است، گسترش نگاه مادی گرایانه را نیز در این امر دخیل دانست و بر این اساس هم شاید بتوان به راحتی چنین آماري را پذیرفت و در حقیقت به وضوح نیز مشاهده کرد که بسیاری از مردان به دلایل گوناگون که البته شاید اغلب آنها اقتصادی است؛ تن به جنگ برای کشور به همراه داشت، شاهد این امر نبودیم اما پس از آن با

معضل چندشغله بودن، در ۲ دهه اخیر بیش از گذشته دیده می شود و در ۲ دهه اخیر بیش از گذشته شاهد افرادی بوده ایم که ۲ یا چند شغل داشته اند. در دهه نخست پس انقلاب، آنطور که باید و شاید، به دلیل تبعاتی که انقلاب و جنگ برای کشور به همراه داشت، شاهد این امر نبودیم اما پس از آن با

● **در این آمار همچنین نیم میلیون نفر زن چندشغله نیز وجود دارند، وجود زنان چند شغله را بر چه اساسی می توان توجیه کرد؟**

جامعه ما با تغییرات گسترده ای طی سالیان متمادی رو به رفته شده است. این تغییرات عاملی شد که بسیاری از زنان به حوزه کاری وارد شوند و برای خود شغل داشته باشند. از سویی بسیاری از آنها زندگی مستقلی برای خود ایجاد کرده اند و به همین دلیل نیز در پی کسب درآمد بیشتر برآمده اند. از سویی دیگر آمار زنان سرپرست خانوار نیز قرار دارند که این زنان نیازمند درآمد بیشتری برای اداره زندگی خود و فرزندانشان هستند و به همین دلیل نیز به داشتن چند شغل تن می دهند. اما در خصوص آمار رایه شده آنچه مهم است این است که باید دید این افراد چه مشاغلی و در چه سطحی را دارا هستند و بر این اساس بتوان قضاوت بهتری در خصوص آمار نشان آن را داشت. اما در واقع آنچه این حضور گسترده زنان و فعالیت آنها در مشاغل گوناگون و هم قدم شدن آن با مردان در این زمینه است.

● **اما در نهایت تبعات این چندشغله بودن برای فرد و جامعه چیست؟**
نخستین اثر چندشغله بودن، در حوزه فردی صورت می گیرد. به این ترتیب امنیت و سلامت روانی فرد چندشغله به خطر مواجه می شود. این امر شاید خود را در کوتاه مدت نشان ندهد اما در طولانی مدت تأثیرات منفی این امر بر روان فرد و به وضوح قابل مشاهده است. هر چند بسیاری کار می کند اما آرامش و امنیت و رفاه فرهنگی - اجتماعی اش سلب می شود. پیامد دیگر این امر در انحصار طلبی است که تعدادی از افراد و در برخی از مشاغل ایجاد می کنند و این امر البته بیشتر در طبقه دارن است. چنانچه این مورد را نباید نادیده گرفت که نفس انسان سیری ناپذیر است اما افراد حال فعلی خود را برای سال های آینده زندگی شان خراب می کنند و امنیت و آرامش خود را به مخاطره می اندازند. این امر در مباحث مربوط به جامعه شناسی شغل نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از سویی نمی توان برای این مشکل صرفاً ساختار افراد را مقصر دانست، بلکه هر دو در کنار یکدیگر عامل ایجاد چنین معضلی شده اند و البته این مشکل هم یک شیشه نمی تواند حل شود. بلکه نیازمند راه حل های طولانی مدت است. ما باید به جای بر سریم که در آن فرهنگ و قانون کار در یک سطح تعریف شوند و افراد تنها در چنین فضایی است که امکان زیست اخلاقی و سالم برایشان فراهم خواهد شد. چرا که در حال حاضر چندشغله بودن مشکلی است که نه تنها ۲۰ درصد طبقه پایین، بلکه ۸۰ درصد طبقه متوسط و ۲۰ درصد طبقه بالایی با آن درگیرند و به همین دلیل نیز از هم اکنون باید برنامه ریزی هایی حداقل ۱۰ ساله برای تغییر در این شرایط صورت گیرد چرا که بر این امر حتی در مباحث دینی مانیز تأکید شده است. چنانچه اسلام ۸ ساعت کار، ۸ ساعت استراحت و ۸ ساعت خواب در طول شبانه روز تأکید دارد که متأسفانه در حال حاضر این امر در زندگی بسیاری از افراد رعایت نمی شود.

ذره بین

دوپیشگی مانع تحول

مهدی یازوکی

اقتصاددان



تازندگی شان را بگذرانند. برای حل چنین مشکلاتی باید اقتصاد را درست کنیم به طوری که هزینه در آمد متوسط فرد با هزینه های زندگی اش هماهنگی داشته باشد. اگر بتوانیم سلامت اقتصادی را برقرار کنیم، این مشکل حل می شود. همان طور که در کشورهای توسعه یافته و با اقتصاد سالم مانند ژاپن، افراد دو کار نمی کنند چرا که می توانند با یک شغل زندگی خود را اداره کنند. بخشی از این مشکلات در اقتصاد مابعد دولت قبلی و هزینه های اقتصادی که متحمل کشور کرد، برمی گردد. احمدی نژاد در حالی شعارهای عدالت محورانه می داد که نا عادلانه ترین دولت ها از چند دهه قبل تا به حال بوده است. در دوران دولت او، آنها که خانه داشتند ارزش خانه شان ۳ برابر شد و کسانی که نداشتند، دیگر نمی توانند مسکن تهیه کنند. اینها نتایج این است که آن دولت منطقی و علمی فکر و عمل نکرد. قبل از این که احمدی نژاد سازمان مدیریت را منحل کند، کل مسائل اداری استخدامی را معاونت توسعه منابع انسانی با چند پرسنل رصد می کرد. او آن سازمان را تبدیل کرد به دو معاونت که ۲۹ نفر در آن جا حقوق بالا می گرفتند. به این ترتیب سازمانی که قرار بود توسعه کشور را رصد کند، اصلاحات اداری کند و دولت را کوچک کند، بی حد و حصر بزرگ شد.

این سیاست ها به مرور مانع شد که نیروهای جوان و خوش خلق وارد سیستم شوند. وقتی با نیروهایی که بازار کار بین المللی دارند خوب برخورد نشود، از کشور می روند در حالی که عمده تحصیلات شان را در ایران گذرانده اند. در این سیستم اقتصادی خیلی می توانیم از این افراد به عنوان مشاوران استفاده کنیم و وضع اقتصادی را طوری بهبود بخشیم که کسی مجبور نباشد دو شغل داشته باشد تا زندگی اش را بچرخاند.

نسل جدید اگر اگر خوب تربیت کنیم و به آنها آموزش های کوتاه مدت بدهیم، خیلی بهتر از این است افرادی که باز نشسته شده اند دوباره به کار برگردند. فساد اداری در معاونت منابع انسانی گواهی بر این مطلب است که اقتصاد بیمار است و افراد تکنوکرات سنتی نمی گذارند تحول در سیستم به وجود بیاید، در نتیجه نوآوری به وجود نمی آید. مقابله با ورود نسل جدید به سطوح بالای جامعه مانع تحول است. این وضع را در بنیادهای عمومی و نهادهای دولتی بیشتر مشاهده می کنیم. وضعیتي که نه تنها سلامت اقتصاد را می گیرد بلکه باعث می شود وضع معیشت مردم به حدی برسد که نتوانند ۸ ساعت کار روزانه، زندگی شان را تأمین کنند و به ناچار وارد مشاغل دوم شوند.

نگاه

نتیجه نابرابری اجتماعی

عزیزالله تاجیک

روانشناس اجتماعی



فروانی برای افراد دارد. در این شغل ها حقوق ها براساس یورو یا دلار محاسبه می شود و همین افراد را ترغیب می کند تا وارد این شغل ها شوند. دوشغله بودن همان طور که به دلایل اجتماعی و اقتصادی مختلفا ایجاد می شود، می تواند تبعات متفاوتی هم داشته باشد. شاید مهم ترین نتیجه دوشغله هایی که به دلایل اجتماعی در حوزه های مختلف نفوذ می کنند، این باشد که عدالت اجتماعی از بین می رود. در واقع قدرت در بین چند نفر که نفوذ و قدرت بیشتری دارند، دست به دست می چرخد و نوعی انحصار قدرت به وجود می آید. این اتفاق که به آن گردش نخچیان گفته می شود، باعث می شود جامعه نتواند از همه توان افراد جامعه خود و علم و آگاهی و تجربیاتش استفاده کند. در این حالت سرمایه های اجتماعی یک جامعه که توان به دست آوردن شغل های مختلف با منزلت اجتماعی و نفوذ بالا را ندارند کم کم به رده های پایین جامعه سقوط می کنند.

در مورد وضع افرادی هم که به دلیل مسائل مالی، نه تنها دو شغله بودن که حتی چند شغله بودن را انتخاب می کنند باید گفت. این اتفاق کم تا برابری بین اقشار جامعه ایجاد و عدالت اجتماعی کم رنگ تر می شود. وقتی جامعه با بحرانی مثل افزایش نرخ ارز روبرو می شود و یکباره دلار ۳ برابر می شود، هزینه های زندگی هم به تبع آن ۳ برابر می شود و افراد را در هزینه های زندگی با مشکل مواجه می کند. در این گونه مواقع است که افراد برای گذران زندگی و دو شغل های مختلف می شوند. همین چندشغله بودن که به دلیل نیاز اقتصادی ایجاد می شود، کم کم روی سبک زندگی، رضایت از زندگی، شادی و امید به زندگی تأثیر خواهد گذاشت. یکی از شاخص های عدالت اجتماعی، داشتن یک شغل متعارف برای گذران زندگی متعارف است و وقتی این شاخص محقق نشود، یعنی عدالت اجتماعی در جامعه وجود ندارد. همان اندازه که افراد می توانند با یک شغل خود به درآمد بالایی دست پیدا کنند، همان اندازه هم هستند کسانی که با چند شغل هم نمی توانند گذران زندگی کنند. همان طور که حضرت علی (ع) می فرماید: هیچ عمارتی بنا نمی شود، مگر این که در کنارش خانه ای خراب شده باشد. این نشان می دهد بیابانه های که یکی از مصادیق آن چند شغله بودن است تا چه اندازه می تواند یک جامعه را دچار نوسان کند و تا چه اندازه مشغول به کار هستند. نوع دیگری از دوشغله بودن هم مربوط به شغل هایی می شود که ذخایر مالی



● **در بررسی معضلی چون چندشغله بودن، بیش از همه بر مسائل اقتصادی تأکید می شود. اما ریشه های روانی و جامعه شناسختی این امر را در چه می توان جست؟**
به طور کلی هر پدیده ای که در جامعه رخ می دهد دارای ریشه های گوناگونی است و از ابعاد مختلف امکان تحلیل آن وجود دارد. این امر در خصوص مشکلی چون چندشغله بودن نیز قابل بررسی است. هر چند ریشه های اصلی آن را بتوان در مسائل اقتصادی جست، اما در نهایت این امر در جامعه ما به فرهنگ بدل شده و از این حیث وارد مباحث اجتماعی می شود. اما پیش از آن که بخواهیم ریشه های گوناگون آن را مورد رصد قرار دهیم، در ابتدا باید به گونه های مختلف آن بپردازیم. در این راستا می توان ۳ گروه را باز شناخت که در دسته بندی چندشغله های اقتصادی می گیرند. دسته نخست کسانی هستند که من آن را تحت عنوان چند کاره های سیاسی می نامم. افرادی که در ساختار قدرت حضور دارند و با توجه به روابطی که قدرت برایشان ایجاد کرده است، دارای مشاغل متعدد هستند که گاهی با بررسی آنها احساس می کنیم که قطب الرجال است و این افراد خود را با توجه به ساختار قدرتی که در آن قرار دارند، به مشاغل گوناگون تحمیل کرده اند. گروه دیگر ما گروهی هستند که با توجه به دغدغه های اقتصادی به داشتن دوشغل تن داده اند و در این گروه نیز افراد مختلفی است از کارمندان، کارگران و معلمان و حتی استادان دانشگاه و بسیاری دیگر قرار دارند. در این میان اما گروه سومی نیز وجود دارد که این افراد را تحت عنوان گروه نوظهوران می نامم. افرادی که در حقیقت دغدغه مالی ندارند و تنها برای کسب درآمد بیشتر به سمت شغل های دیگری می روند. برای مثال کارخانه داری که در کار خرید و فروش خودرو نیز هست و... این موارد هر کدام ریشه های جامعه شناسختی خاص خود را دارند و حتی می توان برای آن ریشه های روانی نیز در درون یک فرد تعریف کرد که در کنار مباحث اقتصادی اثر بخشی گسترده ای برای ورود افراد به مشاغل دوم و سوم دارند.